



Evaluating the Liability of Joint Stock Company Managers According to the Rinciple of Limited Liability, Relying on Law and Jurisprudence

Amir Khajehzadeh ^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:199-214

Article history:

Received: 28 Jan 2024

Edition: 05 Sep 2024

Accepted: 11 Nov 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Liability of Directors, Joint-Stock Companies, Limited Liability, Legal Entity.

Corresponding Author:

Amir Khajehzadeh

Address:

Iran, Damghan, Islamic Azad University, Damghan Branch, Department of Private Law.

Orchid Code:

0009-0001-6434-6567

Tel:

09121317218

Email:

khajehzadeh.amir1399@gmail.com

ABSTRACT

Background and purpose: The liability of joint stock company managers according to the principle of limited liability is an important issue that is the subject of debate and disagreement. Accordingly, the purpose of this article is to evaluate the liability of joint stock company managers according to the principle of limited liability, relying on law and jurisprudence.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative, and questionnaires were used to collect the materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness have been observed.

Findings: The findings showed that the Iranian legal system has recognized a personality independent of the personality of the managers for commercial companies, including joint stock companies.. According to the mentioned rule, a company (legal entity) can have rights and obligations and implement them, but this does not mean that the directors of joint-stock companies are not liable.

Conclusion: The conclusion is that if directors of joint-stock companies cause losses to third parties under certain circumstances, they are liable in this regard, despite the principle of limited liability. the most important rules that are exceptions to the liability of directors in light of the principle of limited liability. Accordingly, if the directors of a joint-stock company have abused their exclusive position and the abuse of the company has caused losses to third parties, they are liable, and this is in accordance with the principle of harmlessness in jurisprudence.

Cite this article as:

Khajehzadeh, A. *Evaluating the Liability of Joint Stock Company Managers According to the Rinciple of Limited Liability, Relying on Law and Jurisprudence.* Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

ارزیابی مسئولیت مدیران شرکت‌های سهامی با توجه به اصل مسئولیت محدود با تکیه بر قانون و فقه

امیر خواجه‌زاده^{*۱}

۱. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مسئولیت مدیران شرکت‌های سهامی با توجه به اصل مسئولیت محدود از موضوعات مهمی است که محل بحث و اختلاف نظر است. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر، ارزیابی مسئولیت مدیران شرکت‌های سهامی با توجه به اصل مسئولیت محدود با تکیه بر قانون و فقه است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد، نظام حقوقی ایران برای شرکت‌های تجاری و از جمله شرکت سهامی، شخصیتی مستقل از شخصیت مدیران به رسمیت شناخته است. این امر به قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری معروف و مبتنی بر اصل مسئولیت محدود است. براساس قاعده مورد اشاره شرکت (شخص حقوقی) می‌تواند دارای حق و تکلیف شده و آنها را به اجرا گذرد؛ اما این به معنی رفع مسئولیت مدیران شرکت‌های سهامی نیست.

نتیجه: نتیجه اینکه چنانچه مدیران شرکت‌های سهامی تحت شرایطی باعث ورود ضرر به اشخاص ثالث شوند، علی‌رغم اصل مسئولیت محدود، دارای مسئولیت در این زمینه هستند. قاعده منع سوء استفاده از حق و لاضرر و قاعده منع تقلب از مهمترین قواعدی هستند که استثنائات مسئولیت مدیران در پرتو اصل مسئولیت محدود هستند. بر این اساس چنانچه مدیران شرکت سهامی از موقعیت انحصاری خود سوء استفاده کرده باشد و اینکه سوء استفاده از شرکت، سبب ورود خسارت به ثالث شده باشد، داری مسئولیت است و این مطابق قاعده لاضرر در فقه است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۹۹-۲۱۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

مسئولیت مدیران، شرکت‌های سهامی، مسئولیت محدود، شخصیت حقوقی.

نویسنده مسئول:

امیر خواجه‌زاده

آدرس پستی:

ایران، دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

09121317218

کد ارکید:

0009-0001-6434-6567

پست الکترونیک:

khajehzadeh.amir1399@gmail.com

۱. مقدمه

قاعده مسئولیت محدود شرکای شرکت تجاری، یکی از مباحث بحث‌برانگیز جامعه حقوقی و اقتصادی است. در این میان گروهی از نویسندگان، با اشاره به برخی دست‌آوردهای مثبت این قاعده، به دفاع از آن پرداخته، آن را قاعده‌ای کاملاً کارآمد می‌دانند؛ در مقابل برخی دیگر، با اشاره به برخی پیامدهای منفی این قاعده، مسئولیت نامحدود را کارآمدتر از قاعده مسئولیت محدود دانسته و بر این اساس، قاعده مسئولیت محدود را به چالش کشیده و سخن از لغو آن به ویژه در حوزه مسئولیت قهری رانده‌اند. قواعد استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری و مسئولیت محدود، متضمن برخی عیوب می‌باشد. مهم‌ترین آنها، تحمیل خطرات ناشی از ورشکستگی شرکت بر بستانکاران به ویژه بستانکاران بدون وثیقه است که ناشی از تصمیمات مدیران در سایه شخصیت حقوقی شرکت انجام می‌شود. در کشورهای چون آمریکا و انگلیس این عیب به ویژه در فرضی که مدیران شرکت در پی سوءاستفاده از شرکت باشند، بیشتر احساس می‌شود. بدین توضیح که گاهی برخی افراد از تشکیل شرکت، اهدافی غیر از فعالیت تجاری دارند؛ در واقع انگیزه ایشان سوءاستفاده از تشکیل شرکت برای فرار از تکالیف و تعهدات قانونی است. در نظامهای حقوقی پیشرفته از جمله انگلیس و آمریکا در شرایط و اوضاع و احوال خاص، بر مبنای نظریه حقوقی عبور از شخصیت حقوقی شرکت تجاری با سوءاستفاده‌های احتمالی مقابله می‌کنند. مطابق این نظریه در برخی پرونده‌ها دادگاه‌ها پوشش شخصیت حقوقی شرکت شرکتهای تجاری را کنار زده، ضمن نظر انداختن به ورای پوشش حقوقی، علی‌رغم قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت،

شریک و یا شرکای شرکت را مسئول اقدامات شرکت تلقی می‌کنند، طوری که گویی آن اقدامات را مدیر و شریک شخصاً انجام داده است. در واقع، در حقوق کشورهای مورد اشاره، با نادیده گرفتن قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت و تحمیل مسئولیت نامحدود بر شرکا، مانع نفوذ حقوقی اقدامات اشخاص متقلب می‌شوند. مسئله اینجاست که رویکرد فقه و حقوق ایران در این خصوص چیست؟ نوآوری مقاله حاضر بررسی این مسئولیت مدیران شرکتهای سهامی با توجه به اصل مسئولیت محدود با تکیه بر قانون و فقه است. در واقع مسئله اساسی که در این مقاله مطرح و بررسی می‌شود؛ این است که مسئولیت مدیران شرکتهای سهامی با توجه به اصل مسئولیت محدود با تکیه بر قانون و فقه چگونه قابل ارزیابی است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا شرکتهای سهامی و اصل مسئولیت محدود بررسی شده و در ادامه از مسئولیت مدیران در شرکتهای سهامی و همچنین حدود مسئولیت مدیران با توجه به اصل مسئولیت محدود بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد نظام حقوقی ایران برای شرکتهای تجاری و از جمله شرکت سهامی، شخصیتی مستقل از شخصیت مدیران به رسمیت

شناخته است. این امر به قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری معروف و مبتنی بر اصل مسئولیت محدود است. بر اساس قاعده مورد اشاره شرکت (شخص حقوقی) می‌تواند دارای حق و تکلیف شده و آنها را به مورد اجرا گذرد اما این به معنی رفع مسئولیت مدیران شرکت‌های سهامی نیست.

۵. بحث

۵-۱. شرکت‌های سهامی

در ماده ۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، شرکت سهامی به این شکل تعریف شده است: «شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است». بر این اساس شرکت سهامی نوعی از شرکت‌های تجاری است که سرمایه اشخاص در آن مهم است (دمرجیلی و دیگران، ۱۳۸۱، ۹۸). ماده ۳ لایحه اصلاح قانون تجارت، بیان می‌دارد: «در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از سه نفر کمتر باشد». حکم این ماده به صورت مطلق بیان گردیده و در نتیجه از دید منطقی باید دربرگیرنده هر دو گونه شرکت سهامی عام و خاص گردد. اما، ماده ۱۰۷ همین لایحه درباره ویژگی‌ها و شمار اعضای هیأت مدیره شرکت سهامی عام، مقرر می‌دارد: «شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهم انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشد، اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عام نباید از پنج نفر کمتر باشد». «عده‌ای از مؤلفین؛ رابطه این دو ماده را از باب تزامم دانسته و مقرر کرده ماده ۳ لایحه اصلاح قانون تجارت را صرفاً در شرکت‌های سهامی خاص، مجری می‌دانند»

(کاوایی، ۱۳۸۶، ۵۸). «برخی دیگر این رابطه را عام و خاص دانسته و به تخصیص ماده ۳ لایحه اصلاح قانون تجارت به وسیله ماده ۱۰۷ این لایحه قایلند» (پاسبان، ۱۳۸۹، ۸۴) و «برخی نیز قائل به نسخ ضمنی ماده ۳ لایحه مذکور به وسیله ماده ۱۰۷ آن در خصوص شمار سهام داران شرکت سهامی عام گردیده‌اند (افتخاری، ۱۳۸۱، ج ۲، ۱۳۳). «سرانجام برخی با مقایسه این دو ماده و بدون ذکر پیوستگی میان آنها، وجود دست کم ۵ نفر شریک در شرکت سهامی عام را ضروری می‌دانند. در هر صورت، نقطه اشتراک همه این دیدگاه‌ها، غلبه مطلق ماده ۱۰۷ لایحه اصلاح قانون تجارت بر ماده ۳ این لایحه در خصوص تعداد سهام داران شرکت سهامی عام است» (اسکینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۱۸). ماده ۴۸۲ لایحه جدید بیان می‌دارد: «تعداد سهام داران در شرکت‌های سهامی عام حیات شرکت، کمتر شدن تعداد شرکا از حد نصاب قانونی به واسطه انتقال قراردادی یا قهری سهام را مجاز می‌داند».

به موجب مواد ۴۸ و ۵۶ ل.ا.ق.ت «مدیران شرکت یکی از ارکان شرکت است که دارای وظایفی می‌باشد که به موجب قانون به آنها تفویض شده و مسئولیت آنها در مقابل شرکت است نه شرکا». به موجب ماده ۸۱۱ (ل.ا.ق.ت) «مدیران شرکت جزء درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ

روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.»

۵-۲. اصل مسئولیت محدود

مطابق با قاعده استقلال شخصیت حقوقی (شرکت تجاری)، اموال و دارایی شرکت متعلق به شخص حقوقی است و از مجموعه آورده شرکاء تشکیل و در عین حال از اموال و دارایی شرکاء مستقل و منفک می‌باشد شرکاء به محض تحویل و تسلیم سهم شرکت خود به شرکت و اختصاص آن به شخص حقوقی هیچگونه رابطه عینی بر اموال شرکت ندارند و حقوق عینی آنها تبدیل به حقوق دینی می‌گردد. به موجب دلالت مواد ۵۸۳ و ۵۸۸ قانون تجارت شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل از شخصیت شرکاء بوده و دارایی آنها نیز مستقل از دارایی شرکاء است، چنان که این امر از امور متمایز کننده شرکت مدنی و شرکت تجاری بوده و از آثار شخصیت حقوقی است و شرکت با مسئولیت محدود نیز جزء گروه شرکت سهامی است که شخصیت شرکاء در آن نقشی ندارد، بنابراین توقیف اموال شرکت با مسئولیت محدود در قبال بدهی مدیرعامل و شرکاء شرکت فاقد مجوز قانونی است. در مورد شرکت تضامنی نیز طلبکاران شخصی شرکاء حق ندارند که طلب خود را مادام که شرکت مربوط منحل نشده است از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند. بر مبنای قاعده استقلال شخصیت حقوقی (شرکت تجاری)، شرکت مستقل و مجزا از اعضای آن است. این استقلال شخصیت منافع متعددی دارد که مهمترین آن، مصونیت مالی اعضای آن در قبال دیون و تعهدات شرکت است (واندر کوو، ۲۰۰۷، ۶). وقتی شرکت به عنوان شخص حقوقی مستقل، قراردادی را منعقد و یا در خارج از موارد قراردادی،

خسارتی را به کسی وارد می‌سازد، تعهدات و مسئولیت‌های حاصل از موارد فوق، صرفاً متوجهی شرکت خواهد بود (ایستبروک و فیشل، ۱۹۸۵، ۷۵-۸۹). «چنانچه شرکت تجاری قادر به ایفای دیون و تعهدات خود نباشد، اعضای شرکت مجبور به پرداخت دیون شرکت از دارایی خود نخواهند بود به تعبیر دیگر شرکاء اعم از حقیقی و حقوقی، مسئولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت نخواهند داشت» (تامپسون، ۱۹۹۴، ۶).

در قانون تجارت ایران، مدیران، بازرسان و اعضاء هیئت‌مدیره در برابر هرگونه قصور و سهل‌انگاری خویش و دیگر اعضاء، که منجر به ورود خسارت به شرکت شود، به صورت فردی و گروهی در مقابل سهامداران و اشخاص ثالث مسئول هستند. برخلاف مسئولیت مدیران، بازرسان و اعضاء هیئت‌مدیره، سهامداران تنها تا میزان مبلغ اسمی سهام خود مسئول بدهی‌های شرکت می‌باشند و تأسیسی مشابه مسئولیت مدیران و بازرسان که ورشکستگی شرکت متوجه تقصیر آنها است در جبران خسارات طلبکاران در مورد سهامداران پیش بینی نشده است. به نظر می‌رسد مهمترین دلیل چنین امری مسئولیت مدیران، بازرسان و هیئت‌مدیره در قبال عملکردشان است. در حقیقت یکی از دلایلی مهمی که چنین تأسیسی در خصوص سهامداران در حقوق ایران پیش‌بینی نشده این است که سهامدار به عنوان سرمایه‌گذار صرفاً به عنوان سهامدار است و مسئولیتی در شرکت ندارد ولی مدیران و هیئت‌مدیره و بازرسان در قبال عملکردشان که ممکن است به سمت فعالیت‌های متقلبانه گرایش پیدا کند مسئولیت دارند (عرفانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ۱۲۰).

از نظر موافقان، مسئولیت محدود، زمینه تصمیم‌گیری‌های مطلوب سرمایه‌گذاری برای

مصوبات مجمع عمومی است. این نوع مسئولیت که می‌تواند شکل انفرادی و تضامنی داشته باشد از تلفیق ماده ۱۴۲ و ۱۴۳ و ماده ۲۷۶ ل.ا.ق.ت. مصوب ۱۳۴۷ استنتاج می‌شود (خزاعی، ۱۳۹۳، ج ۲، ۱۲۳). در واقع با بررسی قانون تجارت می‌توان به مواردی اشاره کرد که مطابق آن تا حدی نظریه عبور از شخصیت حقوقی شرکت در خصوص مسئولیت مدیران اشاره دارد. موارد مزبور عبارت است از مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت سال ۱۳۴۷ و ماده ۲۷۶ ل.ا.ق.ت. موادی که با مفهوم نظریه عبور از شخصیت حقوقی شرکت در معنی عام آن در حقوق ایران قابل انطباق به نظر می‌رسد، ذیلاً مطالعه می‌شود: الف) بر اساس ماده ۱۴۲: «مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد، منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه مسئولیت هریک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود». مطابق این ماده چنانچه در نتیجه تخلف مدیر و یا مدیران شرکت از مقررات قانونی و یا اساسنامه شرکت یا مصوبات مجمع عمومی به شرکت و یا اشخاص ثالث خسارتی وارد شود، در این صورت آنها مسئولیت خواهند داشت. چند مطلب در ارتباط با این ماده قابل توجه است: ۱- «مسئولیت موضوع این ماده، از نوع مسئولیت قهری (غیر قراردادی) و قانونی است که به جهت تخلف قانون و عرفی به وجود می‌آید. مسئولیت این ماده منوط به تحقق ارکان سه گانه مسئولیت قهری (وجود ضرر، وجود فعل زیانبار و وجود رابطه علیت بین ضرر و فعل زیانبار مدیر و یا مدیران) است. البته این دیدگاه نیز قابل طرح است که مسئولیت مدیران در ماده مورد اشاره می‌تواند

مدیران شرکت را فراهم می‌سازد. زیرا برخورداری سهامداران از امتیاز مسئولیت محدود، قدرت خطر شرکت را در پذیرش طرح‌هایی که بالنسبه از خطر بالایی برخوردار هستند را افزایش می‌دهد. مدیران با اطمینان بیشتری خواهند توانست به این گونه طرح‌ها که معمولاً سود قابل توجهی دارند، مبادرت نموده و بدین ترتیب در افزایش رفاه سرمایه گذاران قدم بر دارند. وضعیت در شرکت‌هایی که بر مسئولیت نامحدود استوار است، متفاوت خواهد بود (میلون، ۲۰۰۳، ۲). مدیران در این گونه شرکتها ممکن است برخی از پروژه‌هایی را که ارزش خالص حال حاضر آنها مثبت است، مخاطره آمیز تلقی نمایند. این در حالی است که بلحاظ اقتصادی بکارگیری سرمایه در چنین مواردی، مثبت ارزیابی می‌شود (فران، ۲۰۰۳، ۱۸). قاعده مسئولیت محدود علاوه بر موافقین، مخالفینی نیز دارد. عمده بحث مخالفین، حول این موضوع دور می‌زند که قاعده مسئولیت محدود این خطر اخلاقی را دارد که از آن برای بیرونی کردن هزینه‌ها و تحمیل خسارت طرح‌ها به اشخاص خارج از شرکت، مورد سوء استفاده قرار گیرد. این گروه با اتکاء به این مطلب، کار آمدی قاعده مسئولیت محدود را به چالش می‌کشند.

۵-۳. مسئولیت مدیران در شرکت‌های

سهامی

مدیران نیز مانند سهامداران در مواردی داری مسئولیت مدنی هستند. در حقیقت یکی از استثنائات اصل مسئولیت محدود مربوط به مسئولیت مدیران است. اصولاً مدیران شرکت در اعمال مدیریت بر شرکت در مقابل شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث مسئولیت مدنی به شکل تضامنی یا انفرادی و یا اشتراکی دارند. مسئولیت مدنی مدیران نتیجه تخلفات آنها از مقررات قانونی، یا اساسنامه و یا

استقلال شخصیت حقوقی شرکت است، به این معنی که چون در هر دو مورد علی‌رغم قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت، حکم به مسئولیت داده می‌شود، شاید بتوان آن را با گذر در مفهوم عام کلمه، منطبق ساخت. این نظر با تلقی هیئت مدیره به عنوان "رکن" شرکت بیشتر قابل دفاع است.

در رابطه با نحوه مسئولیت مدیران به نظر عده‌ای چون سهام وثیقه تضمین خسارت مدیران است لذا سهام مذکور وثیقه کلیه خسارت ناشی از تقصیرات تمام مدیران می‌باشد خواه یک نفر از ایشان مقصر باشد یا همه آنها (ستوده تهرانی، ۱۳۹۵، ج ۴، ۱۶۸)؛ اما به نظر اینجانب باید قائل به تفکیک شد قانونگذار هم با قید عبارات منفرداً یا مشترکاً در ماده ۱۱۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت و عبارات منفرداً یا مشترکاً در ماده ۱۴۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت و عبارت منفرداً یا منضامناً در ماده ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت با توجه به در نظر گرفتن اصل تقصیر، خواسته هر مدیری در صورت تقصیر و تخلف مسوول باشد. برای اثبات این نظر هم می‌توان به ماده ۱۳۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت استناد کرد برابر این ماده اگر اعضا هیات مدیره و مدیرعامل در معاملاتی که با شرکت و یا به حساب شرکت انجام می‌شود به طور مستقیم یا غیر مستقیم شرکت نمایند و در اثر انجام معامله آنها به شرکت خسارت وارد شود جبران خسارت بر عهده هیأت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده‌اند لذا نمی‌توان مدیری را که در معامله شرکت نکرده و حتی اجازه معامله را هم نداده مسئول پرداخت خسارات شرکت دانست بنابر این برابر این ماده فقط مدیران ذینفع مسوول پرداخت خسارت وارده هستند. برابر ماده ۱۴۲ ل.ا.ق. ت هم، «مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و

مسئولیت قراردادی نیز محسوب شود. بر این اساس اساسنامه شرکت نوعی قرارداد میان شرکاء تلقی می‌شود. در هر حال، برای اینکه فعل مدیران، زیان‌بار (نامشروع) باشد باید از مقررات قانونی یا اساسنامه و یا مصوبات مجمع عمومی و یا حتی از تکالیف عرفی، از جمله تکلیف حسن اداره شرکت، تخلف شده باشد و از این عمل آنها به شرکت یا اشخاص ثالث خساراتی وارد شود» (کریمی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۳، ۱۳۶). ۲- کسانی که حق طرح دعوی دارند عبارتند از: شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث (طلبکاران و زیان دیدگان) بنابراین طلبکاران شرکت و متضررین دیگر در صورتیکه از اقدامات خلاف قانون و یا اساسنامه و یا تصمیمات مجمع عمومی دچار ضرر شده باشند، می‌توانند علیه مدیران اقامه دعوی کنند. ۳- مسئولیت پیش بینی شده در این ماده ناشی از فعل شخص مدیران و یا مدیر عامل شرکت است و از این جهت با نظریه عبور از شخصیت حقوقی شرکت مورد بحث تفاوت اساسی و بنیادی دارد. به تعبیر دیگر در نظریه مورد اشاره، دادگاه دیونی را که ظاهراً به شرکت به عنوان شخص حقوقی مستقل منتسب است، برخلاف قاعده مسئولیت محدود، به شریک تحمیل می‌کند. ولی در ماده مورد بحث، حکم به مسئولیت، ناشی از فعل شخص مدیران و یا مدیر عامل (تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی) است و بر این مبنا با نظریه گذر تفاوت ماهیتی دارد. در واقع حکم مسئولیت مدیران و یا مدیر عامل بر مبنای ماده مرقوم نتیجه قانونی اقدامات شخصی خود آنهاست و با نظریه عبور از شخصیت حقوقی شرکت که بر اساس آن مدیران و یا مدیر عامل پاسخگویی اقدامات شخص ثالثی به شریک تحمیل هستند، تفاوت دارد. تنها شباهت آن دو صرفاً از جهت نادیده گرفتن قاعده

منطبق می‌شود. چونکه در آنجا نیز قاعده استقلال شخصیت حقوقی نادیده گرفته می‌شود و دینی که ظاهراً منتسب به شخص حقوقی مستقل است، به شخص ثالثی (شریک) تحمیل می‌شود. ب) بر اساس ماده ۱۴۳: «در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه صلاحیتدار می‌تواند به تقاضای هر ذی نفع، هریک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت و یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است و منفردا یا متضامنا به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید». مطابق این ماده چنانچه احراز شود که ورشکستگی شرکت یا عدم کفایت دارایی آن برای تأدیه دیون طلبکاران، معلول خطای مدیران و یا مدیر عامل شرکت بوده است. در اینصورت به مثابه حکم ماده ۱۴۲ فوق، طلبکاران شرکت می‌توانند شخصیت حقوقی شرکت را نادیده گرفته از دادگاه درخواست نمایند که حکم به مسئولیت نامحدود مدیران و یا مدیر عامل متخلف، صادر نماید. مطلب مذکور در مورد ماده ۱۴۲ عیناً در مورد این ماده نیز مصداق دارد، با این توضیح که مسئولیت‌های موضوع این ماده ناشی از فعل شخص مدیران و یا مدیر عامل است و با مسئولیت شریک مورد بحث نظریه گذر مصطلح، تفاوت ماهوی دارد؛ ولی از حیث اینکه در نتیجه اعمال حکم ماده مزبور، به نوعی قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت، نادیده گرفته می‌شود، از این جهت شاید بتوان این ماده را نیز با "گذر" در معنی عام، منطبق دانست.

اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفردا یا مشترکاً مسئول هستند». در مورد بیان شده مدیری را که در معامله شرکت نکرده و حتی اجازه معامله را هم نداده است به استناد چه قانونی می‌توان مقصر و مسئول جبران خسارات وارده به شرکت دانست. در ماده ۲۱۸ قانون جدید تجارت نحوه مسئولیت مدیران به وضوح تعیین گردیده است به استناد این ماده هر یک از مدیران در مورد تصمیماتی که بر خلاف قانون مقررات اساسنامه و یا مصوبات مجمع عمومی اتخاذ می‌کند حسب مورد به انفراد یا اشتراک در مقابل شرکت و اشخاص ثالث مسئول است.

به اعتقاد طرفداران نظریه مدیران به عنوان رکن شرکت؛ «مدیران شرکت به عنوان سازمان تصمیم‌گیرنده شرکت، جزء ساختمان و سازمان شخص حقوقی هستند: اندام یا عضوی است که به وسیله آن اداره شخص حقوقی اعلام می‌شود و فعالیت‌ها شکل خارجی می‌گیرد. به تعبیر دیگر بین اراده شخص حقوقی و تصمیم سازمان مدیریت آن وحدت وجود دارد. به نظر این گروه انتساب تقصیرهای مدیران شخص حقوقی به خود شخص حقوقی، بر فرض نظریه رکن بودن قابل توجیه است» (عیسائی تفرشی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۹۱). بنابراین نظر، هرگونه تخلف مدیران، باید تخلف خود شرکت انگاشته شود. چونکه مدیران به عنوان عضوی از اعضای شرکت، وابسته به مجموعه خود که شرکت نام دارد بوده و به اعتبار سمت مدیریت، تصور ارتکاب فعلی مستقل از مجموعه خود (شرکت)، غیرممکن است. بنابراین وقتی مقنن مسئولیت مدیران را مستقل از شرکت، پیش بینی می‌کند، در واقع شخصیت دیگر آنها که مستقل از شرکت است، باید مدنظر داشته باشد و این با مفهوم نظریه گذر

۵-۴. حدود مسئولیت مدیران با توجه

به اصل مسئولیت محدود

همان‌گونه پیش‌تر اشاره شد، «در صورتی که در اثر تقصیر مدیران به سهامدار، شخص ثالث یا شرکت مستقیماً خسارتی وارد شود زیان‌دیده به منظور أخذ خسارت مزبور باید تقصیر فاعل زیان و رابطه سببیت بین فعل زیان آور و ضرر وارده را اثبات نماید. تقصیر در حقوق مدنی ایران عبارت است از تعدی و تفریط (ماده ۹۵۳ ق.م.) منظور از تعدی تجاوز از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری (ماده ۹۵۱ ق.م.)، ولی تفریط عبارتست از ترک عملی که به موجب قرارداد یا عرف برای حفظ مال غیرلازم است (ماده ۹۵۲ ق.م.). بالاخره ماده قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب تقصیر را به عمد و بی احتیاطی تقسیم می‌نماید» (افتخاری، ۱۳۸۱، ج ۲، ۱۳۳). ماده (۳۲۸ ق.م.) در بیان قاعده اتلاف (مَن اتلف مال الغير فهو له ضامن) مقرر می‌دارد: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد و یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است».

ماده (۳۳۱ ق.م.) در بیان قاعده تسبیب (شخصی مال دیگری را به طور مستقیم تلف نکرده ولی به طور غیرمستقیم یا تمهید مقدمه و سبب سازی آن را تلف نماید) مقرر می‌نماید: «هرکس سبب تلف مالی شود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید». «ملاحظه می‌شود که در ماده (۳۲۸ ق.م.) مسئولیت فاعل زیان باوجود فعل زیان آور و ضرر وارده و رابطه سببیت بین آن دو تحقق پیدا می‌نماید. اعم از اینکه فاعل زیان قصد تضرر

داشته باشد (تقصیر عمدی) و یا اینکه فاعل خواستار وارد آوردن زیان نبوده (تقصیر غیرعمدی) و از روی بی احتیاطی یا غفلت به دیگری زیان وارد کرده باشد. گرچه در ماده مذکور ظاهراً تقصیر عمدی با تقصیر غیرعمدی یکسان تلقی شده است ولی منطبق حقوقی و عدل و انصاف ایجاب می‌کند که دادگاه با عنایت به ماده قانون مسئولیت مدنی میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به عمدی و غیرعمدی بودن تقصیر و اوضاع و احوال قضیه تعیین نماید، زیرا فاعل زیان عمدی آگاهانه ضرری را به دیگری وارد کرده است در صورتیکه در تقصیر غیرعمدی فاعل زیان فقط پیش‌بینی و جرم را که عرفاً باید انجام می‌داده ترک و یا غفلت نموده و خواهان وارد شدن ضرر به زیان دیده نبوده است. زیان وارده ممکن است مادی و ناشی از اتلاف مال و نقص و عیب آن و یا اتلاف منفعت گذشته و یا آینده باشد و ادعای زیان معنوی نیز محتمل خواهد بود» (پاسبان، ۱۳۸۹، ۵۳). اگر مدیر شرکتی به هنگام افزایش سرمایه شرکت وجوهی را از سهامداران بابت پذیره نویسی سهام دریافت کرده و شخصاً برداشت نموده باشد در این صورت مستقیماً به سهامدار مزبور زیان وارد کرده و برابر اصول کلی مرتکب تقصیر عمدی شده است و سهامدار می‌تواند علیه وی اقامه دعوی مسئولیت بنماید.

۵-۴-۱. قاعده منع سوء استفاده از حق

و لاضرر

قاعده مهمی که برای کنترل و اعمال محدودیت در اجرای حق پیش‌بینی شده است، قاعده منع سوء استفاده از حق می‌باشد. لذا اگر فردی در راستای اعمال حق به اشخاص دیگری ضرر رساند، مسئول خواهد بود. این مفهوم که در نظام حقوقی ایران، به قاعده لاضرر شهرت دارد، از حدیث نبوی «لاضرر و

منشأ عقلی دارد و بنای عقلا بر این قاعده استوار است. از جمله حقوق مدنی فرانسو حدود هفتده گذشته، در حقوق کامن لو مربوط به انگلستان در حدود نه دهه پیش و نیز در آمریکا و کانادا و استرالیا، بحث اصلی آن مطرح شده است ولی با وجود همه اینها، اسلام این مسئله را ۱۴۰۰ سال پیش، طرح نموده است» (محقق داماد، ۱۳۹۲، ج ۱، ۶۷).

«سوءاستفاده از حق و سوءاستفاده از اختیارات در حقوق تجارت ایران تعریف نشده است؛ اما تجاوز از حق در فقه اسلامی در قاعده لا ضرر مطرح شده است و تجاوز از حق زمانی تحقق پیدا می‌کند که شخصی در اثر اعمال حق خود با قصد اضرار به غیر موجبات ضرر به دیگری را فراهم سازد و در چنین صورتی مرتکب تقصیر عمدی شده، در صورت برقراری رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر وارده، زیان‌دیده می‌تواند خسارات وارده به خود را بر طبق مواد پیش بینی شده در قانون مدنی از فاعل زیان اخذ نماید. اما اگر فاعل زیان در استفاده از حق خود قصد اضرار نداشته ولی به نحوی از انحاء از حق خود سوءاستفاده نموده باشد در این صورت سوءاستفاده از حق ناشی از تقصیر غیرعمدی تحقق پیدا می‌نماید که در خارج از هرگونه قصد اضرار ولی با بی احتیاطی و یا عدم توجه به عواقب اجرای حق صورت می‌گیرد ممکن است گفته شود در این مورد نیز با توجه به ماده ۳۲۸ ق.م؛ که بیان داشته: «... روی عمد تلف کرده باشد یا غیر عمد ...، تفکیکی بین مسئولیت ناشی از سوءاستفاده از حق و تقصیر عمد وجود نخواهد داشت، یکی از نویسندگان حقوق تجارت در این خصوص بیان می‌دارد در تئوری جدید، سوءاستفاده از حق زمانی تحقق پیدا می‌کند که واجد شرایط زیر باشد: (۱) داشتن حسن نیت در اعمال حق قانونی (عنصر

لاضرار فی الاسلام» گرفته شده، قلمرویی وسیع‌تر از مسئله "سوء استفاده از حق" دارد و فقها از این قاعده برای جلوگیری از ضرر غیرقانونی و نامشروع ناشی از احکام استفاده کرده و از آن بعنوان حکم ثانوی و محدود کننده نیز نام برده‌اند. «لاضرر» یکی از قواعد فقهی است که براساس آن هرگونه ضرر زدن، غیرمجاز و بی‌اثر است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ج ۱، ۲۱۶). منشأ اصلی این قاعده روایات متعددی از پیامبر اکرم «ص» است که عبارت لا ضرر و لا ضرار در آن به کار رفته و بسیاری از فقها و روایان احادیث آن‌ها را نقل کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۹۲، ج ۱، ۱۹۱). اهمیت این قاعده آن قدر زیاد است که برخی فقها از آن به عنوان یکی از چهار رکن فقه اسلامی قلمداد می‌کنند (محمصانی، ۱۹۸۲، ۲۳). و برخی نیز آن را از ضروریات دین اسلام شمرده‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹، ج ۲، ۱۷). این بهره برداری از مفهوم نفی ضرر در نظام‌های حقوقی غیر اسلامی نیز مشاهده می‌شود (محمودی جانکی، ۱۳۸۲، ۳۸۲). برخی عقیده دارند که «لاضرر بر نفی ضرر دلالت می‌کند، با تقیید ضرر به ضرر غیرمتدارک. یعنی ضرری که جبران نشده باشد، در اسلام تجویز نشده است» (نجفی، ۱۴۰۸، ج ۳۷، ۱۶). «از آن جا که ضرر، هر گاه جبران شود، دیگر ضرر نیست، حکم به جبران ضرر از جانب شارع، به منزله‌ی آن است که ضرر، وجود ندارد. بر این نظر انتقاداتی وارد شده است، از جمله این که ضرر در صورتی می‌تواند معدوم فرض شود که در واقع و در عالم خارج جبران شده باشد. «قاعده لاضرر از اساسی‌ترین و معروف‌ترین قواعد فقه اسلامی است و با توجه به مدارک و منابع چهارگانه فقه می‌توان به آن استناد کرد. در اغلب نظام‌های حقوقی معاصر تحت عنوان عدم جواز سوء استفاده از حق مطرح شده است و می‌توان گفت

عینی) ۲) داشتن نفع قابل توجه در اعمال حق قانون (عنصر عینی) ۳) وجود ضرر (عنصر عینی)؛ ملاحظه می‌شود با توجه به عناصر تشکیل دهنده سوء استفاده از حق، بلاخص عنصر داشتن نفع قابل توجه در اعمال حق قانونی و مسئولیت مترتبه به فاعل زیان، می‌توان به وجه افتراق سوء استفاده از حق با تقصیر عمدی قائل شد» (عرفانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ۱۲۱).

«امروزه آنچه بیشتر مبتلا به شرکتهای سهامی است سوء استفاده از اختیارات مدیران است. این سؤال مطرح می‌شود که جهات اشتراک و افتراق سوء استفاده از اختیارات مدیران با سوء استفاده از حق چیست؟ در پاسخ باید توجه داشت که در سوء استفاده از اختیارات دارنده حق از اختیارات خود به منظوری غیار از آنچه علت وجودی اختیار بوده استفاده می‌نماید. بدین ترتیب دارنده حق چنین هدف خارجی را انتخاب کرده اما بدون اینکه سوءنیت داشته باشد» (عرفانی، ۱۳۹۵، ۱۲۲). «در این تعریف از مفاهیم ذهنی تقصیر پرهیز شده است، جهات اشتراک سوء استفاده از حق و سوء استفاده از اختیارات عبارتند از: ۱) داشتن حسن نیت در اعمال حق قانونی (عنصر عینیت) ۲) وجود ضرر. اما وجود افتراق آنها قصد انتخاب هدف خارجی است و بدین ترتیب عنصر اصلی سوء استفاده از اختیارات را تشکیل می‌دهد که عنصر مزبور در سوء استفاده از حق موجود نیست از طرف دیگر کلمه «حق» در سوء استفاده از حق غیرصریح بوده، آن را به تمام امتیازات حقوقی از قبیل آزادی بیان- آزادی تجارت و صنعت (رقابت غیرقانونی) تسری می‌دهد. (خردمندی، ۱۳۸۲، ۱۸۹).

در حقوق کنونی، تنها موردی که محاکم بر مبنای آن اقدام به جلوگیری از سوء استفاده نامشروع از

حقوق نموده‌اند اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۱۳۲ قانون مدنی در باب حفظ حقوق مجاورین املاک است. پس هرگونه ضرری که از طریق احکام بوجود آید یا بعداً بخواهد بوجود بیاید را می‌توان بواسطه قاعده منع سوء استفاده از حق یا قاعده لاضرر نفی نمود. مهم‌ترین شرط و زمینه اجرای این قاعده، اعمال حق برخلاف قانون و به نیت ضرر به اشخاص ثالث می‌باشد. لذا در این مورد اصل حق قانونی و مشروع است، ولی اجرا و انتفاع آن خارج از چارچوب قانونی بوده که طبق قاعده منع سوء استفاده از حق و قاعده فقهی لاضرر می‌توان مانع ضرر به حقوق اشخاص ثالث شد.

«بنابراین، به نظر می‌رسد تا تصویب و پیش بینی مقررات صریح مربوط به ضمانت اجرای استفاده متقلبانه از شخصیت حقوقی مستقل شرکت تجاری دادگاه‌ها می‌توانند با استقراء در مواد قانونی مذکور و احکام مستخرج آن‌ها، با سوء استفاده‌های متقلبانه از شرکت تجاری مقابله کنند» (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۱، ۴۳۹). لذا، نظریه نفوذ از شخصیت حقوقی شرکت را به عنوان مبنایی جهت پذیرش مسئولیت مدیر در حقوق آمریکا رامی‌توان در حقوق ایران با قاعده منع سوء استفاده از حق و لاضرر تحلیل نمود. مطابق نظریه نفوذ «نادیده گرفتن قاعده مسئولیت محدود از سوی دادگاه‌ها به منظور وصول مطالبات طلبکاران شرکت از محل اموال و دارایی‌های شریک به نحوی که گویی دین یا تعهد مورد بحث، دین یا تعهد شخص شریک است». «در واقع در قالب نظریه عبور از شخصیت حقوقی شرکت، دادگاه‌ها قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری را نادیده گرفته و مسئولیت اقدامات شرکت را به شریک و یا شرکای شرکت منتسب می‌نمایند، به نحوی که گویی آن اقدامات را شریک شخصاً انجام داده است با توجه به این

توصیف می‌توان گفت، نظریه‌ی عبور از شخصیت حقوقی شرکت، یکی از استثناءهای قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت و قاعده مسئولیت محدود است که تحت اوضاع و احوال خاص توسط دادگاه‌ها بکار گرفته می‌شود» (بلومبرگ، ۲۰۰۱، ۳۰۵). در نظام حقوقی ایران، اجرای حقوق از جمله اعمال حق استناد به اصل استقلال شخصیت حقوقی به صورت نامحدود نبوده و اعمال آن مشروط به عدم سوء استفاده از حق و ضرر به دیگران است.

«سوالی که در این جا پیش می‌آید این است که اگر مدیران در خارج از این محدوده عمل کنند و زیانی متوجه شرکت شود، مسئولیت شخصی آن‌ها در مقابل سهامداران است یا خود شرکت؟ با مراجعه به مقررات قانونی با هر دو تعبیر برخورد می‌کنیم؛ مثلاً در ذیل ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی می‌خوانیم: ... محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده ... از ظاهر این ماده ممکن است چنین برداشت شود که مسئولیت مدیران در این حالت در مقابل صاحبان سهام است و در مقابل شرکت مسئولیتی ندارند. اما طبق مواد ۱۳۰ و ۱۳۳ و تصریح مواد ۱۳۱ و ۱۴۲ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت، مدیران در مقابل خود شرکت مسئولیت دارند نه صاحبان سهام، زیرا آن‌ها وکیل شرکت هستند و وکیلی که از حدود وکالت خارج شود و به نمایندگی از موکل خود عملی را انجام دهد و زیانی را پدید آورد، در مقابل موکل باید پاسخ گو باشد» (کریمی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۳، ۱۳۷). «بنابراین صاحبان سهام برای حفظ حقوق شرکت، اگر چه علیه مدیرانی که موجب ورود خسارت به شرکت شده‌اند حق اقامه دعوا دارند ولی نقش نمایندگی از شرکت را ندارند از این رو در

صورت محکومیت، پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات بر عهده خود آن‌هاست نه شرکت. بنابراین مدیران مقصر که خارج از حدود وکالت عمل کرده‌اند و یا در محدوده وکالت، احتیاط‌های لازم را رعایت نکرده و موجب زیان شرکت شده‌اند، تنها در مقابل شرکت مسئول هستند و صاحبان سهام به حکم قانون در این جا مجازند که به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود، علیه آن‌ها اقامه دعوا کنند. بدیهی است اگر عمل مدیران در خارج از محدوده اختیارات مستقیماً موجب ورود زیان به سهامداران شود، شخصاً در مقابل آن‌ها مسئول خواهند بود. قانون تجارت ایران برای مدیر شرکت با مسئولیت محدود، اختیارات زیادی قائل شده است که در غیر شرکتهای سهامی پیش بینی نشده است. علت این امر این است که مقررات شرکت با مسئولیت محدود از قانون فرانسه (مورخ ۷ مارس ۱۹۲۵) اقتباس شده که در آن عقاید جدید راجع به مدیر شرکت در نظر گرفته شده است» (خردمندی، ۱۳۸۲، ۱۸۹). ماده ۱۰۵ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر این که در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد. هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است. بنابراین قانون تجارت مانند سایر شرکتهای (غیر از شرکتهای سهامی) تصریح نمی‌کند که مسئولیت مدیر مانند مسئولیت وکیل در مقابل موکل است. قانون تجارت در مورد شرکتهای با مسئولیت محدود تأکید می‌کند که مدیران، نماینده شخص حقوقی می‌باشند و کلیه اختیارات لازم را دارند. بنابراین لزومی ندارد که مانند سایر شرکتهای (غیر از شرکتهای سهامی) اختیارات مدیران وسیع پیش

در خارج از آن هیچ گونه تعهدی را برای شرکت در قبال اشخاص مزبور ایجاد نمی‌کند.

اگر در اساسنامه شرکت هیچ گونه محدودیتی برای مدیر پیش بینی نشده باشد ظاهراً همانند شرکت‌های سهامی عمل مدیر تا حدود موضوع شرکت، شرکت را متعهد می‌کند و در خارج از موضوع شرکت هیچ گونه مسئولیتی را برای آن ایجاد نمی‌کند، زیرا به موضوع شرکت در اساسنامه تصریح شده و سعه وجودی شخصیت حقوقی به سعه موضوع آن است. بنابراین در خارج از موضوع، شرکتی با شخصیت حقوقی وجود ندارد تا مدیر وکیل از ناحیه آن باشد (خرمدندی، ۱۹۰، ۱۳۸۲).

پس تفاوت بین حدود اختیارات مدیران شرکت سهامی و شرکت با مسئولیت محدود، به هنگام تصریح به محدودیت اختیارات مدیران در اساسنامه است، زیرا در شرکت سهامی به این محدودیت در مقابل اشخاص ثالث نمی‌توان استناد کرد ولی در شرکت با مسئولیت محدود قابل استناد است.

۵-۴-۲. قاعده منع تقلب

در حقوق ایران، تقلب در دو معنا بکار می‌رود: الف) تقلب در مفهوم عام؛ ب) تقلب در معنای خاص. معنای عام تقلب زمانی محقق می‌شود که انعقاد اعمال حقوقی جهت نیل به اهداف نامشروع و غیرقانونی شرکت انجام شود. بارزترین مصداق این نوع تقلب، معامله صوری است، زیرا عقد شرکت یکی از اعمال حقوقی است که نیاز به قصد و اراده جهت تشکیل دارد. هنگامی که شرکا به قصد فرار از تعهدات قانونی و تضرر به حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت، مبادرت به تشکیل شرکت به شکل صوری می‌نمایند، عقد شرکت باطل است و شرکا حق استناد به شخصیت حقوقی مستقل آن را در برابر اشخاص طرف معامله ندارند (کاشانی، ۱۳۵۲، ۱۴۵). معنی خاص تقلب، همان تقلب نسبت به

بینی شود، بلکه در مورد شرکت با مسئولیت محدود عکس قضیه صحیح است؛ یعنی اگر شرکا مایل باشند می‌توانند اختیارات مدیر شرکت را محدود نمایند و اختیاراتی که از مدیر سلب می‌شود باید در اساسنامه ذکر گردد (ستوده تهرانی، ۱۳۹۵، ج ۴، ۲۶۹). در صورتی که در اساسنامه شرکت اختیارات مدیر شرکت محدود و این محدودیت ثبت و آگهی نشده باشد، قراردایی که بین شرکا و مدیر شرکت راجع به محدودیت اختیارات او گذاشته شده باشد، نسبت به اشخاص ثالث اعتبار ندارد. اگر در اساسنامه شرکت محدودیت اختیارات مدیران شرکت پیش بینی نشده باشد، در صورتی که محدودیت اختیارات طبق ماده ۱۱۱ قانون تجارت به اکثریت عددی شرکا که دست کم سه ربع سرمایه را دارا باشند اتخاذ گردد، در حکم تغییر اساسنامه راجع به این قسمت بوده و در صورت ثبت و آگهی، دارای اعتبار قانونی می‌باشد (ستوده تهرانی، ۱۳۹۵، ج ۴، ۲۷۰).

در شرکت با مسئولیت محدود اگر چه مدیر وکیل شرکت است و قواعد کلی وکالت در آن به اجرا در می‌آید، اما در باب حدود اختیارات مدیر در مقابل اشخاص ثالث، همچون شرکت‌های سهامی، قانون‌گذار محدوده وکالت و نمایندگی از شرکت را توسعه داده است. با این تفاوت که حدود اختیارات مدیران شرکت‌های سهامی به اندازه وسعت موضوع شرکت توسعه می‌یافت و محدودیت‌های مصوب و مصرح در اساسنامه شرکت راجع به اختیارات مدیران در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن بود، ولی در شرکت‌های با مسئولیت محدود، به محدودیت‌های مصرح در اساسنامه شرکت ترتیب اثر داده می‌شود؛ یعنی محدودیت‌های مزبور در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد است و عمل مدیر

مفروض است، در مواردی که قصد مؤسسین از تشکیل شرکت، انگیزه متقلبانه و نامشروع باشد، می‌توان با استناد به احکام قانونی ذکر شده و قاعده منع تقلب، مانع نفوذ حقوقی اعمال متقلبانه شرکا شد و از این طریق به همان نتیجه نظریه نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری در حقوق آمریکا نائل شد.

۶. نتیجه

نتایج نشان داد با وجود عدم تصریح قانونی به استثناءهای قاعده مسئولیت محدود شرکای شرکت‌های تجاری نباید آنرا مطلق و نامحدود تلقی کرد. از جمله مواردی که می‌توان آن را به عنوان استثنای قاعده مسئولیت محدود پنداشت استثنای «تقلب» است. نتیجه بررسی‌ها گویای این واقعیت است که مفهوم نظریه منع «سوء استفاده از حق» و منع «حیله و تقلب» در اسلام تاریخی به قدمت اسلام دارد این مفهوم که ریشه در قاعده فقهی لاضرر دارد از طریق ماده ۱۳۲ قانون مدنی و دیگرموادی که به نظر ماده ۱۳۲ بر آنها سایه افکنده در نظام حقوقی ایران انعکاس یافته است. بنابراین، با تکیه بر حکم ماده ۱۳۲ قانون مدنی از جمله اصول حقوقی که شارحین آن را به «روح قانون» تحلیل و تعبیر می‌کنند و نیز با عنایت به نظریه‌های حقوقی و قوانین و مقررات ناظر بر شرط عدم مسئولیت که مورد «تقصیر عمدی و سنگین» را از موارد مسلم بی اعتباری شرط عدم مسئولیت می‌دانند تردیدی نباید کرد که در حقوق ایران «تقلب» باید یکی از استثناءهای قاعده‌ی مسئولیت محدود شرکای شرکت‌های تجاری تلقی شود. نتیجه اینکه با توجه به نظریه نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری در نظام حقوقی آمریکا، از مفهوم "منع تقلب نسبت به قانون و منع سوء استفاده از حق و لاضرر" می‌توان بهره جسته

قانون می‌باشد، به این معنی است که شریک با استفاده از یک پوشش و ابزار قانونی، از مسئولیت‌های قانونی فرار کند؛ مثلاً شریک با استفاده از حق استناد به استقلال شخصیت حقوقی که بعد از تشکیل شخصیت حقوقی برای وی در شرکت بوجود می‌آید، از مسئولیت‌های قانونی در قبال ثالث طفره رود. البته اثبات این امر بسیار دشوار است، زیرا شریک از یک ابزار قانونی جهت پیشبرد اهداف نامشروع خود استفاده می‌نماید و در بدو امر تعدی نسبت به قانون مشاهده نمی‌شود (عابدیان، ۱۳۸۷، ۸۲). «تقلب در این مفهوم در فقه به معنای حیله است: «رسیدن به یک مطلوب شرعی و هدف مشروع، چه اینکه راه رسیدن به آن، امر حلالی باشد، یا راه مذکور خود غیرمشروع باشد، چنین چیزی حیله است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ۱۱۹) برخی فقها تعریفی را به عنوان جمع‌بندی از کلمات دیگران در ابواب مختلف فقه ارائه کرده‌اند و آن این است که: تقلب و حیله حیل عبارت است از حفظ ظواهر قوانین شریعت هرچند با آن عمل با روح شریعت در تعارض باشد» (شیخ صدوق، ۱۳۶۸، ج ۴، ۱۸) مقررات گوناگونی وجود دارد که به سبب آن قانون گذار با تقلب، مقابله کرده است. از جمله این موارد عبارتند از: مواد ۱۹۰ و ۲۱۸ اصلاحی قانون مدنی و ماده ۴۲۴ قانون تجارت. «طبق این مواد، شرکای شرکت تجاری واقعاً قصد تأسیس شرکت تجاری را ندارند، ولی برای اینکه به هدف‌های غیرقانونی خود نائل آیند، به شکل صوری اقدام به تأسیس شرکت تجاری می‌کنند» (کریمی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۳، ۱۳۶). بر همین مبنا اصل استقلال شخصیت حقوقی نیز توسط قانون تخصیص خورده و اجرای آن به صورت نامحدود و مطلق نمی‌باشد، لذا با عنایت به معنی خاص تقلب و همچنین مفهوم شرکت که عنصر قرارداد در آن

پوشش شخصیت حقوقی مستقل شرکت برای جبران زیان وارده به طلبکار شرکت اشخاص متقلب را شخصاً مسئول اعلام نماید».

۷. سهم نویسندگان

نویسنده مسئول به تنهایی در تهیه و تدوین پژوهش نقش داشته است.

۸. تضاد منافع:

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- افتخاری، جواد، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۱.
- پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- خردمندی، سعید، وکالت در حقوق تجارت و تطبیق آن با فقه، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲.
- خزاعی، حسین، شرکت‌های تجاری، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات قانون، ۱۳۹۳.
- دمرچیلی، محمد؛ قرائی، محسن؛ حاتمی، علی، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم، تهران، انتشارات خلیج فارس، ۱۳۸۱.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد چهارم، چاپ بیستم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۵.
- عابدیان، میرحسین، شروط باطل و تأثیر آن در عقد، چاپ اول، تهران، نشر شرکت زیتون و بهاران، ۱۳۸۷.

و با تنقیح مناظ از اصل چهلم قانون اساسی، مانع تقلب نسبت به قالب شرکت‌های تجاری شد. بنابراین اگرچه شرکت مادر از طریق تملک عمده سهام شرکت تابعه (بیش از پنجاه درصد سهام باحق رأی (یا از طریق انتخاب هیئت مدیره آن و در چارچوب مقررات قانونی، کنترل و نظارت آن را در دست می‌گیرد، اما اجرای این حق) کنترل و نظارت بر عملکرد شرکت‌های تابعه (تا اندازه‌ای است که موجب خسارت به آن شرکت نشود. لذا اگر شرکت مادر بعنوان شرکت کنترل کننده در اجرای کنترل و نظارت خویش بر شرکت‌های زیرمجموعه، سوء استفاده نماید و اقداماتی را انجام دهد که برخلاف وظایف مدیریتی آن و به قصد پیشبرد اهداف شخصی خود باشد، در قبال شرکت زیرمجموعه مسئولیت دارد. پیشنهاد می‌شود: اولاً: قضات دادگاهها در صورت احراز سوء استفاده از شکل شرکت تجاری برای رسیدن به هدف‌های نامشروع در عبور از پوشش شخصیت حقوقی شرکت و نادیده گرفتن قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت و اجازه طلبکاران شرکت به وصل طلب خود از محل اموال شخصی شریک و یا شرکای متقلب تردیدی به خود راه ندهند، ثانیاً به منظور شفاف سازی موضوع و رفع ابهام و تردید از دست اندکاران امر قضا، قانون گذار نیز نسبت به تصویب مواد ذیل اقدام نماید: «اگر حسب اوضاع و احوال و قرائن ثابت شود که در تشکیل و راه اندازی شرکت تجاری انگیزه اصلی در رسیدن به هدف‌های نامشروع بوده است بدین نحو که از پوشش شخصیت حقوقی شرکت بر صورت متقلبانانه و صرفاً به عنوان ابزار و آلت دست جهت طفره و انکار تعهدات قانونی (قراردادی و غیر قراردادی) استفاده شده در صورت عدم کفایت دارایی شرکت برای تأدیه دیون دادگاه می‌تواند با نادیده گرفتن

منابع عربی

- عرفانی، محمد، «سوءاستفاده از اختیارات یا مشاغل در حقوق تجارت (مطالعه تطبیقی)»، نشریه دانشگاه تهران، شماره هفت، ۱۳۹۵.
- عرفانی، محمود، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل/ جاودانه، ۱۳۹۱.
- عیسائی تفرشی، محمد، مباحث تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی عام و خاص)، جلد دوم، چاپ اول، تهران، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- کاشانی، محمود، نظریه تقلب نسبت به قانون، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۲.
- کاویانی، کوروش، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- کریمی، عباس؛ شعبانی کندسری، هادی، «رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر و قاعده غربی سوء استفاده از حق»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره دو، ۱۳۹۳.
- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، جلد اول، چاپ سیزدهم، قم، نشر مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲.
- محمودی جانکی، فیروز، «مبانی - اصول و شیوه‌های جرم انگاری»، رساله دکتری، به راهنمایی استاد محمد آشوری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- مکارم شیرازی، ناصر، حیل‌های شرعی و چاره جویی‌های صحیح در فقه اسلامی، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۸۳.
- شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن بابویه، من الی‌حضر الفقیه، جلد چهارم، چاپ اول، قم، نشر صدوق، ۱۳۶۸.
- موسوی بجنوردی، حاج میرزا حسن، القواعد الفقهیه، جلد دوم، چاپ سوم، نجف، چاپ مطبعه الادب، ۱۳۸۹.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، قواعد فقهیه، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۹.
- محمصانی، دکتر صبحی، النظریه العامه، الطبعه الاولی، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۲.
- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، جلد سی و هفتم، چاپ هفتم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۸.
- Blumberg, Phillip I, Accountability of Multinational Corporation the barriers presented by concepts of the corporate juridical, 2th ed, New York, Published University of Connecticut School of Law, 2001.
- Ferran, Ellis, Principles of Corporate Finance Law, 1th ed, UK, Oxford University Press, 2003.
- Frank H, Easterbrook; Daniel R, Fischel, «Limited Liability and the Corporation », Journal of The University of Chicago Law Review, No. 1, 1985.
- Millon, David K, « Piercing the Corporate Veil- Financial Responsibility and the Limits of Limited Liability », <https://ssrn.com/abstract=451520> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.451520>, 2003.
- Thompson, Robert B, Unpacking Limited Liability Direct and Vicarious Liability of Corporate Participants for Torts of the Enterprise (Vanderbilt Law Review), 1th ed, New York, Published University of California, 1994.
- Vandekerckhove, Karen, Piercing the Corporate Veil, 1th ed, Netherlands, Publisher Kluwer Law International, 2007.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی